

راهکارهای احیاء بافت‌های تاریخی به مثابه هویت واجد ارزش شهری؛ مورد پژوهی: محور تاریخی تربیت تبریز

حسین اسمعیلی سنگری* - عضو هیئت علمی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیر پایگاه میراث جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز، تبریز، ایران.

The solutions for revival of historical areas as the urban valuable identity (for example 'the historical axis of Tabriz's Tarbiyat)

Abstract:

Maybe the main reason for this article is the analysis of the potentials of the historical areas of Iran and the presentation of the suggestive solutions for making the mentioned potential actual in which the result of this subject helps for the dynamism and restoration of historical areas of Iran. In recent years the municipal organizations and the urban populoussness's offices have been unkind to these historical areas that are found as damaged areas. The prepared article is the result of the analysis which has presented the subject as an example (the footpath of Tarbiat) which contains the extensive researches of acquaintance, support, pathology, planning and remedy. Then the scientific and practical solutions related to the revival with the historical extremity of country are suggested in comparison with the other cases in Iran and all over the world. We hope that this research would be written after the expert criticism and consideration and be able to provide the background for the custody and keeping the valuable identities of the historical cities, and this goal is not archived unless we have the effort and assistance of the mentioned organizations. The exact awareness of the people from this issue and the sympathetic view of the responsible in the historical cities of Iran.

Key words: Historical area, Revival, Tarbiat historical axis.

چکیده

مرمت و احیاء بافت در تمام اشکال و دوره‌های تاریخی آن، ریشه در ارزش‌های نشأت گرفته از هویت و فرهنگ ملت‌ها دارد. توانایی در ادراک این ارزش‌ها تاحدی بستگی به میزان منابع اطلاعاتی درباره آنها و جایگاهشان دارد که می‌تواند درک شده، صادق و درست باشد. معرفت و دریافت این منابع اطلاعاتی یک نیاز پایه‌ای برای ارزیابی تمام وجوه ارزشی و هویتی فرهنگ یک ملت و اصالتی دارد که از این منظر مورد بوده و در منشور ونیز به عنوان اصلی‌ترین عامل کیفیت بخش مرتبط با هویت‌های بافت‌های تاریخی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. از سویی دیگر، شاید تحلیل و بررسی پتانسیل‌های بالقوه در بافت‌های تاریخی کشور و ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت بالفعل ساختن پتانسیل‌های مذکور، اصلی‌ترین هدف این نوشتار می‌باشد که نتیجه حاصل از این مبحث کمک شایانی برای پویا سازی و احیاء بافت‌های تاریخی کشور است. روش تحقیق در مقاله حاضر «روش توصیفی-تحلیلی» در مرحله ادبیات نظری و «روش تکوینی-ساختاری» در مرحله تحلیل و بیان یافته‌ها بوده که از ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و پیمایش‌های میدانی بهره برده است. در مقاله حاضر مفهوم احیاء بافت‌های تاریخی مورد تدقیق قرار گرفته است؛ چنانچه حاصل بررسی و تحلیل‌های صورت گرفته ای است که برای وضوح بهتر، موضوع را در قالب یک نمونه عینی (عابر گذر تربیت) که شامل تحقیقات گسترده شناخت، مستندنگاری، آسیب‌شناسی، طرح و درمان بوده و سپس با مقایسه آن با نمونه‌های دیگر در ایران و سایر نقاط جهان راهکارهای علمی و عملی در رابطه با احیاء بافت‌های تاریخی کشور پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، مرمت و احیاء، پویاسازی، محورهای فرهنگی - تاریخی.

می نمود؛ اما این کندی پیشرفت در جوامع سنتی در مقایسه با پیشرفت رعد آسای کشورهای غربی و توسعه یافته، آرام آرام امنیت ذهنی و فکری مردمان ساکن در جوامع سنتی را در هم آمیخت و تمام سعی و توان مسئولین و حتی بسیاری از مردم صرف تقلید از کشور های غربی شد که بیش از یک قرن را به بسترسازی برای پذیرش این اتفاقات اختصاص داده بودند. در این مقاله به مقوله احیاء بافتهای تاریخی به مثابه بافتهایی واجد ارزش و هویت نگاهی انداخته شده و در نمونه مورد مطالعه و در عین حال بصورت کلان، راهکارهایی چند ارائه می گردد.

مواد و روشها

رویکرد تحقیق

در رویکرد تکوینی رابطه میان عوامل، تعریف شده و موثر بر یکدیگر، خطی دیده نمی شود. به این معنی که عوامل تاریخی با تاثیر یک سویه موجب ایجاد یک پدیده نمی شوند، بلکه مجموعه نیروها بر یکدیگر اثر متقابل می گذارند و در این تاثیرات متقابل یا دیالکتیکی، هیچ عاملی بر عامل دیگر برتری ندارد و نقش اصلی را ایفا نمی کند، بلکه این مجموعه عوامل هستند که بر شکل گیری آن تاثیر می گذارند. شاید آنچه ذکر شد،

اندیشمندان فرهنگی معتقدند فهم جایگاه و ویژگی های اصالت نقش مهمی در تمام مطالعات علمی میراث فرهنگی و حفاظت و برنامه ریزی مرمت داشته است و همچنین در فرآیندهای ثبتي که برای کنوانسیون میراث جهانی و دیگر فهرستهای جامع میراث فرهنگی به کار می رود، نقش مهمی ایفا می کند (یوکیلهتو، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳)؛ ولی در این راستا چالشهایی برای اصالت بخشیدن به فضای بافت در راه بازآفرینی و احیاء آن وجود دارند که می بایست بررسی و بیان گردند. از سویی دیگر، در بافت های تاریخی کشور از همان بدو اطلاق نام تاریخی بر آنها شاهد شکل گیری حرکتی بودیم که به صورت تدریجی شروع به از بین بردن و پاکسازی آنها نموده و اخیراً نیز تحت عنوان بازسازی بافتهای فرسوده سرعت بیشتری یافته است. قبل از دوره پهلوی اول به علت شکل حاکم بر زندگی افراد جامعه و غلبه نکردن افکار مدرنیته بر زندگی و فکر مردم، مفاهیم سنتی رکن اصلی حاکم بر زندگی افراد بود، بنابر این تمام هنجارهایی که در طول سالیان متمادی شکل تدریجی بر خود گرفته و سینه به سینه به نسل آینده منتقل گشته بود در بستر طبیعی خود سیر کند پیشرفت را طی

۱. تعدادی از رویکردهای معماری که تاکنون مطرح شده اند و صاحب نظران متعددی در مورد آنها به ارائه فرضیه و تئوری پرداخته اند، عبارتند از: «رویکرد تاریخی»، هدف اصلی رویکرد تاریخی در نگاه به یک بنا، تعیین تاریخ آن است. مشخص شدن تاریخ بنا به معنی شناخت شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بنا است. در واقع شناخت تاریخ یک اثر به معنی پیوند دادن آن با گذشته اثر است. از صاحب نظران این رویکرد وینکلمن-معمار و باستان شناس آلمانی- و باقر آیت الله زاده شیرازی را می توان نام برد. «رویکرد فرهنگی-اجتماعی»: هدف اصلی معماران در رویکرد فرهنگی-اجتماعی، شناخت اجتماع، فرهنگ و مردم شناسی به وسیله بنا و معماری عامیانه می باشد. آموس راپپورت، پل الیور (Shelter and Society) و بیل هیلیر (Space is the Machine, ۱۹۸۲) از صاحب نظران این رویکرد هستند. «رویکرد معنا گرا (سنت گرا)»: دغدغه معماران در رویکرد معنا گرا، شناخت معانی و مفاهیم نهفته در اثر معماری است و عمدتاً دارای ویژگی نمادپردازانه ای است. از متفکران این رویکرد میتوان به تیتوس بورکهارت (هنر مقدس)، سید حسین نصر (هنر و معنویت اسلامی) و نادر اردلان (حس وحدت) اشاره کرد. «رویکرد عملکردگرا»: هدف معماران عملکردگرا، تاکید بر ویژگی های کاربردی معماری است. نقطه اوج و نماد این تفکر، ماشین است. چون کاملاً عملکردی است و کوچکترین پیچ آن هم کاربردی است. از متفکران این رویکرد می توان به هرمان موتسیوس و لویی سالیوان (با طرح شعار فرم از عملکرد پیروی می کند) اشاره کرد. «رویکرد فرم-گرا»: هدف پیروان این رویکرد، جنبه های زیبایی شناسانه فرم است. تناسب، پر و خالی و ترکیب بندی و گونه شناسی فرم مورد توجه این رویکرد است. از متفکران این رویکرد می توان به لویی دوران (دقت و تاکید بر درسهای معماری)، کلاوس هرگ (ساختار و شکل در معماری ایران و ترکستان)، راب کرایر (ترکیب بندی معماری) و استدمن (مورفولوژی معماری) اشاره کرد. «رویکرد فضاگرا»: دغدغه این رویکرد فضا، حرکت در آن و کشف فضا می باشد. از متفکران این رویکرد می توان به زیگفرید گیدئون (فضا- زمان و معماری)، برونو زوی (Poetica dell architettura neoplastica)، جان هیدک (Th Education of an Architect) اشاره کرد. «رویکرد تکنولوژی گرا»: دغدغه اصلی این رویکرد، تکنولوژی و زیبایی شناسی جدیدی است که در ابتدای قرن بیستم توسط مارتین هیدگر در کتاب فلسفه تکنولوژی مطرح شد. بنابر این، در معماری هم آشکار کردن مظاهر تکنولوژی در ساختمان، مزیت به شمار آمد. از متفکران این رویکرد می توان به پتر کوک (Morphosis: Buildings and Projects)، ریچارد راجرز و رنزو پیانو اشاره کرد. «رویکرد طبیعت گرا»: دغدغه این رویکرد طبیعت، محیط زیست، چرخه زندگی و پایداری است که در دو دهه آخر قرن بیستم بسیار مورد توجه معماران قرار گرفته است. از متفکران این رویکرد می توان به الگی (Design with Climate) جان لنگ (آفرینش نظریه معماری) اشاره کرد.

منطبق با رویکرد سیستمی فرض شود؛ ولی در واقع کاملاً با آن تفاوت دارد، زیرا اگرچه در رویکرد سیستمی نیز تک عاملی بحث نمی شود و عناصر مختلف سیستم برهم تاثیر می گذارند ولی این رویکرد مانند «پارسونز» یا «لومان» مدعی است که «می تواند به جهان و جامعه موجود توصیفی سودمند و رسا عرضه کند که وجه تمایز آن توانایی بالقوه برای تجزیه و انحلال و ترکیب مجدد است» (مولر، ۱۳۷۹، ص ۳). ادعای این نظریه برای درک کلی و عام موضوع خویش، بدین معنا که «در مقام یک نظریه اجتماعی به همه مسائل اجتماعی می پردازد و نه فقط به بخشها یا قطعاتی محدود» مورد مناقشه است؛ زیرا این رویکرد نظریه پدیده اجتماعی را به قطعات و اعضا آن تجزیه می کند و از خلال این تجزیه روابط آنها را می کاود. در واقع این نظریه به جزییات منفرد یک سیستم می پردازد؛ ولی روش تکوینی به تفرد و تشخیص پدیده های اجتماعی در طول تاریخ اذعان دارد و از ارائه تحلیل کلی راجع به همه مسائل پرهیز می کند. در واقع رویکرد تکوینی، پدیده را تجزیه نمی کند بلکه یک «امر مشخص جزئی» را (که در تمامیت خود عناصری از کلیت را حمل می کند) از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار می دهد. این رویکرد برای فهم آنچه در تاریخ و جامعه اتفاق می افتد تا جایی به روابط میان عوامل انسانی اهمیت می دهد که روان شناسی نیز در آن مهم تلقی می شود و هر فرد اجتماعی یا تاریخی پدیده ای است که در هستی خویش زیست می کند، رابطه ای متقابل با آن دارد. درحالی که در نظریه سیستمی «منظور از اشخاص بیشتر ساختارهای خودسازی سیستمهای اجتماعی است تا سیستمهای روانی یا انسان های کامل». این جهت پژوهشگر از رویکرد منظومه ای برای سامان دادن به یافته ها سود می جوید؛ به جای آنکه آنها را در یک سیستم جمع کند. «مارتین جی» رویکرد منظومه ای «والتر بنیامین» را اینگونه تعریف می کند: «خوشه ای از عناصر متغیر که کنار هم چیده می شوند، ولی در هم تنیده نمی شوند و نمی توان آنها را به مخرج مشترک یا هسته یا اصل نخستین فروکاست». روشهای مورد نظر در این

تحقیق عبارتند از:

روش تحقیق

روش این پژوهش نیز با توجه به رویکرد نظری آن، «روش تکوینی» و روش «تحلیل ساختاری» است. برای توضیح روش می بایست ابتدا مفاهیم به کار رفته در آن شرح داده شود. در روش تکوینی، پژوهشگر دربند تعاریف مفاهیم در نخستین گام نیست، بلکه می کوشد «قانون درونی را جستجو کند که بنابر آن قانون، کل، تکوین می یابد؛ یا لاقل می توان تصور کرد که کل را می آفریند» (وبر، ۱۳۸۲، ص ۳۴۹)؛ بنابراین، این روش «بودن» یک پدیده را مدنظر قرار نمی دهد بلکه در مسیر «شدن»، تغییرات گذشته آن را بفهمد. این روش ناظر بر همان رویکرد نظری است که حکم تکوینی را بر واقعیت تعریف شده اولویت می دهد و واقعیت اجتماعی برای آن یک پدیده بیرونی نیست که بتوان با تعریف منطقی، آن را در دایره عقل آورد و به کمک ذهن آن را شناخت بلکه واقعیت اجتماعی، هستی پویایی است که انسان نیز جزئی از آن است و در فرایندی تکوینی و از خلال حکمها و قوانینی که بر اثر توافق اجتماعی حاکمیت می یابند، شکل می گیرد و تکامل می یابد. درست بر عکس رویکرد مدرسی فلسفه تاریخ که در آن «هستی از همان آغاز به گونه اندیشه پنداشته می شود و به صورت مفهوم در می آید و با مشتق شدن از اندیشه محمول آن واقع می شود» (مارکوزه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). در رویکرد تکوینی «طبیعت، واقعیت نخستین و اندیشه، واقعیت دومین است و به گفته فویرباخ هستی موضوع و اندیشه محمول است. اندیشه از هستی برمی خیزد ولی هستی از اندیشه بر نمی خیزد» (مارکوزه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). لذا «فرد تاریخی» وبری نیز ناظر بر پدیده منحصر به فرد تاریخی است که در آن فرایند همین تکوین شکل می گیرد.

روش تحلیل ساختاری: مهمترین روش در این مقاله روش تحلیل ساختاری است؛ چراکه روش «تحلیل ساختاری» نیز از نظر شکل کالبدی، مقیاس و ابعاد، موقعیت و قراگیری در سایت و روش ساخت و تحلیل شناختی مربوط به آن را نیز شامل می شود. تحلیل آثار

در واقع با استفاده از روش ساختاری است.

پیشینه تحقیق

تجربیات جهانی مرمت شهری به تفکیک هدف اصلی، اهداف اقتصادی، اهداف اجتماعی و اهداف فرهنگی قابل بررسی بوده که در میان حفاظت از بافت کهن و اعطای نقش جهانگردی، ایجاد ارتباط میان بافت قدیم و جدید، ایجاد محیط سالم و بهداشتی، بالا بردن سطح زندگی، معاصر سازی، حفظ خصوصیات شهر کهن و احیای نقش فرهنگی از مهمترین اهداف اصلی این تجربیات می باشد. شیوه اقدام با توجه به شرایط شامل بازسازی، بهسازی، نوسازی و یا تلفیقی از آن می باشد. اهم نظریه های مربوط به مرمت در نیمه دوم قرن نوزدهم بوجود آمده که نظریه پردازی در این مورد تاکنون نیز ادامه دارد در کنار تجربیات کشورهای مختلف و بیانیه های بین المللی می توان به چند نکته توجه داشت: در کنگره گوپینو در سال ۱۹۶۰ تاکید گردید حفاظت از جنبه های هنری فضاهای زنده مورد توجه دولت ها قرار گیرد و به وضعیت اجتماعی شهرها توجه شود. در کنگره ونیز ذکر گردید که مفهوم اثر تاریخی فقط ساخته های معماری منفرد را در بر نمی گیرد بلکه فضاهای شهری و مناظر را نیز شامل می شود و می بایست نگهداری بافت های تاریخی با دقتی خاص صورت پذیرد تا دست نخورده حفظ شده و شرایط بافت بهبود یابد. در کنگره بولونیا (۱۹۷۴) تاکید شده که در مرمت بافت های تاریخی، نه فقط شکل ظاهری بناها و بافت ها بلکه گونه شناسی (تیپولوژی) و عملکرد آنها نیز باید حفظ شود. در منشور آمستردام نیز بر تغییر قوانین و مقررات اجرایی تاکید شد تا آشتی میان فضاهای کالبدی قدیمی با فضای زندگی مدرن تحقق یابد. روند تکاملی بیانیه های جهانی و نقطه نظرات صاحب نظران بیانگر این واقعیت است که، در عین توجه به تک بناها به عنوان آثار تاریخی منحصر بفرد به مجموعه ای از مسایل اقتصادی و اجتماعی در بافت های تاریخی توجه گردیده است.

ادبیات نظری

مفهوم اصالت و هویت

بنیاد دیدگاه های اصالت به یونان کهن می رسد و در

معنی اصالت سازگاری با طبیعت درونی خود است. همه ما با طبیعت درونی خود به یک میزان سازگاری نداریم، یا به یک اندازه اصیل و منسجم نیستیم و باید پذیرفت که هیچ سیستمی نمی تواند با نسخه برداری از معیاری بیرونی و تحمیلی، درباره اینکه چه باید باشد، به سازگاری بیشتری با خود نایل شود و به اصالت دست یابد (نقی زاده، ۱۳۷۹، ص ۳۹). اصالت یک کار هنری، میزان راستین بودن وحدت ذاتی، فرآیند خلاق و نمود فیزیکی آن کار و نیز تأثیرات پیام آن در طول زمان تاریخی آن است. نقی زاده اصالت داشتن و دارای الگو بودن را یکی از معیارهای زیبایی ماندگاری داند و افلاطون انسان سنتی را کسی می داند که نسبت به اصالت خویش وفادار بماند و در حقیقت، اصالت را، وفادار به سنتی بودن می پندارد (بینای مطلق، ۱۳۸۵، ص ۷۱). سند نارا (۱۹۴۴) نیز بر مفهوم اصالت تاکید کرده و معتقد است توانایی ما برای درک ارزش های میراثی، به میزان معتبر یا موثق و در نتیجه، اصیل بودن منابع داده ها بستگی دارد. اما در تفکر مدرن غالباً «شکل» را مهمترین مشخصه اصالت بافت می دانند و به تبیین ساز و کار اشکال و عناصر کالبدی، چون خط و سطح، در تکوین و تعیین ماهیت فضا می پردازند؛ یعنی بیشتر به کمیات پرداخته می شود نه کیفیات فضایی. در مقابل، حکمای مسلمان به اصالت عوامل کیفی در بافت معتقد بودند. در تفکر سنتی معماران ما در ماهیت حجم و فضا، اصالت زاینده عوامل کمی نیست بلکه کیفیات است که فضا را در یک محیط تشکیل می دهد. اگر فرم از محتوا جدا گردد، فضا اصالت خود را بر اساس بینش افلاطونی از دست می دهد و به فرم ظاهری یا غیر اصیل تعبیر می گردد (نقی زاده و امین زاده، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

آلن جیکوبز و داندل اپلیارد (۱۹۸۷) کیفیت هایی را به ترتیب زیر برای دستیابی به فضایی مطلوب و ماندگار فهرست نمودند که هویت و اصالت، از جمله آنها است (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۴۵). مفهوم اصالت در مولفه های نامبرده در حوزه مرمت شهری نیز همچون دیگر هنرها (چنانچه بتوان آن را همردیف دیگر هنرها پذیرفت)

مخاطبین گسترده ای دارد و با توجه به اینکه مردم بافت با این مفاهیم در تماس هستند، می توان به جایگاه و حساسیت آن در مرمت پی برد. از آنجا که گواه تاریخی بر اصالت استوار است، اکنون اگر استمرار زمانی اثر در نتیجه تکثیر از اهمیت بیفتد آنچه در واقع در معرض خطر قرار می گیرد، اصالت اثر یا تجلی آن است؛ بدین معنی که تکرار بی حد و اندازه از جایگاه اصالت آن اثر کاسته و ارزش آن از اعتبار ساقط می گردد.

طرحواره ۱. بافت شهری نشانه هویت جمعی و هویت شهر
 ماخذ: شهرسازی شهروندگرا، ۱۳۸۳.

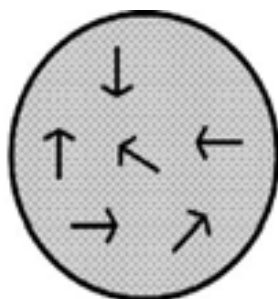


در فرهنگ معین واژه هویت به معنی: آنچه که موجب شناسایی شخصی باشد، یا آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد آورده شده است. به تعبیر ویلیام هانوی، ما تا ندانیم که بودیم، نمی توانیم بدانیم که هستیم، یعنی شناخت هستی ما در گرو شناخت تاریخی ماست و تا ندانیم که چگونه به جایی که هستیم رسیده ایم نمی توانیم بدانیم که کجا می رویم (موثقی و آبرملو، ۱۳۸۵، ص ۲).

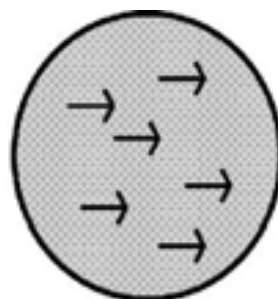
اما هویت در نگرش کلان به معنای تشخص، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخصی باشد [همچون شخصیت یا کیفیت] است و بیانگر ویژگی های هر فرد یا پدیده ای می باشد. صدرالمآلهین در این مورد معتقد است: «هویت هر موجودی عبارت است از نحوه خاص وجود او و در انسان هویت واحده است که متشکل به شئون مختلف می شود. انسان ها را مشخصاتی هست که به واسطه آن ها هریک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر وحدت شخصیت در آن ها باقی است و به آن هویت گویند.» (حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

هویت در ریشه لاتین به معنای تشابه و تداوم است، یعنی در آن هم اشتراک وجود دارد هم استمرار، به عبارتی آنچه در طول تاریخ ثابت و مشترک مانده و تحول و دگرگونی تاریخی روی آن اثر نگذاشته است. اما نباید ماهیت پارادوکسی هویت را نیز فراموش کرد؛ بدین معنی که هویت بطور همزمان حامل یک عنصر ایستا و پویاست، از یک سو رجوع به مفهوم هویت بیانگر

نمودار ۱. تعریف هویت در جوامع مدرن و سنتی؛ ماخذ: حجت، ۱۳۸۴، ص ۵۷.



هویت فردی - جامعه مدرن
 (واگرایی در کالبد و رفتار)



هویت جمعی - جامعه سنتی
 (همگرایی در کالبد و رفتار)

در فضای سرزمین می‌باشد (اشکوری، ۱۳۷۶، ص ۴۷). پاتریک گدس می‌گوید که شناخت شهر در گرو شناخت عوامل جغرافیایی و تاریخی است، در واقع قبل از هرگونه اقدامی در شهر باید روح شهر را شناخت (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶، ص ۴۲). آثار تاریخی و فرهنگی بعنوان ظاهر و تجسم فیزیکی فرهنگ هر جامعه دارای ارزش های ذاتی و آرمانی است که با استحصال و حفاظت از آنها، پویایی و شفافیت عناصر فرهنگی اجتماع های دارای این ارزش ها را بدنبال خواهد داشت. ضرورت بررسی ارزشهای میراث فرهنگی از این باب نیست که نیازمند اثبات آن هستیم. تقریباً هر کتاب مربوط به این زمینه با جملات مشابه ارزشهای میراث فرهنگی را مفروض قلمداد کرده اند. آنچه نیاز به بررسی دارد ابهاماتی است که در نحوه ارزیابی این ارزشها وجود دارد. ما از بین آثار باقیمانده از گذشته معمولاً به آن چیزهایی توجه می‌کنیم که با ارزش (S □ □) تلقی گردیده اند. برای تعیین آنکه چه چیز با ارزش است باید به ارزشها مراجعه کنیم. این ارزشها باید تحلیل و سپس هماهنگ گردد تا با ارزش بودن اثر تاریخی تعیین گردد» (حجت، ۱۳۸۰، ص ۹۴)، ارزشهای موجود در آثار تاریخی زمانی را می‌توان در قالب واژه های مشخص و معین این ارزش ها دسته بندی کرد. ارزشهای موجود در بناهای تاریخی در قالب سه دسته کلی تقسیم بندی

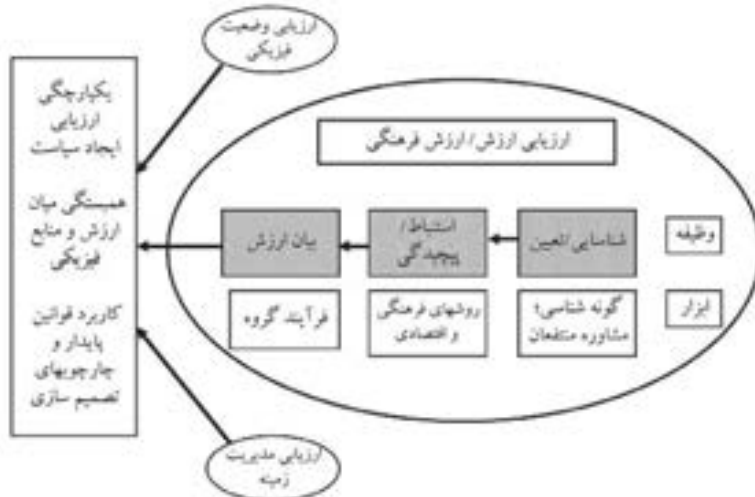
استمرار و تداوم تاریخی است، اما از سوی دیگر نباید این واقعیت را نادیده بگیریم که هویت دائماً در معرض فرآیند بازتعریف و بازتولید است. بدیهی است از نقطه نظر واژه شناسی هویت مترادف تاریخ قلمداد می‌شود. مثلاً وقتی از شهری بی هویت یا بافتی بی هویت سخن به میان می‌آید، منظور آن است که نشانه ای از گذشته را در خویش ندارد و یا به عبارتی هیچ گونه رابطه ای با گذشته از آن برداشت نمی‌شود. این همان دیدگاهی است که فوکو برای چیستی هویت در معنای نوین آن با شعار «ما باید سرپیچی کنیم از آن چیزی که هستیم» بیان کرده است. اما، هویت برای انسان سنتی (مذهبی) در یک بافت سنتی، باوری است که به مدد ایمان به غیب شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار اوست، در حالی که انسان مدرن (سکولار) خود به مدد خود هویت خویش را می‌سازد. هویت در جامعه سنتی، واحد و الهی و در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی است. در یک نگاه سنتی هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن وجود انسان مقدم بر هویت اومی باشد.

برنامه ریزی فضایی در بافتهای تاریخی

روندی برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل، توازن و هماهنگی بین جمعیت و تأسیسات اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده توسط آن در فضای کشور و جلوگیری از بروز عدم تعادل و بازتابهای تخریبی و منفی

نمودار ۲. ارزیابی ارزشهای فرهنگی در مداخله در بافتهای تاریخی؛

ماخذ: Randall Mason، ۲۰۰۲ و بنقل از احدنژاد، ۱۳۹۱.



می شود:

کنشگران دخیل در فرایند مداخله در بافت های

شهری

بررسی و ارزیابی موفقیت برنامه های موجود در زمینه بهسازی نواحی نابسامان شهری عمدتاً حاکی از عدم کامیابی کامل این برنامه ها در دستیابی به اهدافشان است. یکی از مهمترین دلایل این امر تعدد دستگاه های دخیل، فقدان هماهنگی های لازم در حوزه سیاستها و برنامه های این سازمان ها، عدم ایفای نقش صحیح بازیگران، متناسب با جایگاه و توان فنی- تخصصی و اجرایی آنان و عدم توجه کافی و جدی برنامه های دستگاه های متولی به نقش مردم و مشارکت آنان در فرایند برنامه ریزی و اجرای برنامه های بهسازی و نوسازی شهری است. از سوی دیگر از آنجا که بهسازی و نوسازی شهری مستلزم اتخاذ سیاست های چندوجهی در حوزه عمران شهری، خدمات شهری، مسکن و ارایه خدمات اجتماعی و اقتصادی به ساکنان این نواحی است، انجام این وظیفه از عهده یک دستگاه دولتی به تنهایی بر نمی آید و پیشبرد آن در مقیاس بزرگ و موثر مستلزم تعهد مشترک و هماهنگ مجموعه دستگاه های دولتی و شهرداری ها در حوزه های ذیربط در سطوح ملی، استانی و محلی است. لذا برای دستیابی به یک برنامه جامع بازآفرینی شهری، ضروری است نخست کنشگران دخیل در سطوح مختلف بازشناسی شده و جایگاه و نقش هر یک در این فرایند تبیین و تدقیق شود. به استناد یافته های بخش قبل، کنشگران دخیل در فرایند بهسازی و نوسازی شهری را می توان در چهار گروه طبقه بندی کرد:

- **بخش خصوصی**، در برگیرنده جامعه حرفه ای؛ شامل تمامی دستگاه ها و شرکت های تخصصی، سرمایه گذاران و نهادهای تامین کننده سرمایه، جامعه نخبگان؛ یا به عبارتی مجموعه عوامل و دستگاه هایی که در زمینه تحقیقات و پژوهش و آموزش و مطالعات صاحب نظر و صاحب قلم اند،
- **دولت**، مشتمل بر کلیه دستگاه های اجرایی، نهاد سیاستگذار، ناظر و هدایت کننده فرایند بهسازی و نوسازی شهری

۱. **اول: ارزشهای هیجانی:** الف- حیرت انگیز؛ ب- هویتی؛ پ- پیوستگی؛ ت- معنوی و نمادین.

۲. **دوم: ارزشهای فرهنگی و تربیتی:** الف- اسنادی؛ ب- تاریخی؛ پ- باستان شناسی؛ ت- قدمت؛ ث- کمیابی؛ ج- زیبایی شناختی و نمادی، چ- معماری، ه- فضای شهری- بوم شناختی- منظر، خ- علمی و تکنولوژی؛

۳. **سوم: ارزشهای کاربردی:** الف- کارکردی، ب- اقتصادی، ج- اجتماعی، چ- آموزشی، ه- قومی و سیاسی (Feilden, 2003, ص ۶).

مکاتب مداخله در بافت های تاریخی

۱- **مکتب کارکردگرایی:** این مکتب در صفت خاص نظام پذیری گروه ها، نهادها و سازمانهای بزرگتر اجتماعی به عمق می رود، در همان حال به سازمان داخلی، مشخصات ساختی و مناسبات مشترک آنها می پردازد (شکویی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹).

۲- **مکتب خردگرایی:** آلدورسی از معماران ایتالیایی و از پیروان این مکتب، معماری بناهای تاریخی را در برگیرنده خاطرات، افکار و آثار و نسل متعدد در گذشته می داند و نقش آن را در خلق هویت، اساسی می داند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ص ۴۶).

۳- **مکتب فرهنگ گرایی:** نظریه پردازان این مکتب، از جمله کامیلوسیت، لودوک، جان راسکین طی سالهای (۱۹۴۰-۱۸۱۸) توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته را بسیار با اهمیت و ضروری می دانند. همچنین توجه به فرهنگ ملی و سنتهای قدیمی در توسعه شهری و بهسازی و مرمت، تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه ای و مرمت و بافت بناهای شهری موجب پابرجا و زنده ماندن تمدن شهری می دانند. همچنین این مکتب معتقد است که مفهوم فرهنگی شهر بر مفهوم مادی آن تقدم دارد و شهر فقط از سازمانهای اجتماعی- فرهنگی زنده می شود. برگشت به گذشته و توجه به زیباشناسی نیز از مشخصات دیگر این مکتب است (زیاری، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

- **مردم**؛ به عنوان اولین و مهمترین جامعه ذی نفع نوسازی و بهسازی بافت، پایه و قاعده اصلی مشارکت فعال در امر نوسازی مشتمل بر ساکنان، شاغلان، مستاجرین، مالکان و مراجعین (عندلیب، ۱۳۸۶)

- **شهرداری ها**، شوراهای اسلامی شهر، سازمان های نوسازی شهری و انجمن های شورایی وابسته به شوراهای شهر بخش خصوصی، دولت و شهرداری ها هر یک نقش ویژه ای در این فرایند بر عهده دارند. اما در این میان ضروری است نقطه کانونی اقدامات هر سه گروه معطوف به مردم و همگام با خواسته ها و نظرات آنان باشد. در یک فرایند ایده آل، بخش خصوصی ارائه کننده خدمات فنی - تخصصی، تامین کننده منابع مالی و اجرایی است؛ دولت نقش تسهیل گر، سیاستگذار، ناظر و همچنین فراهم کننده زمینه ها و بسترهای لازم برای تشویق و ترغیب مردم برای حضور و مشارکت را بر عهده داشته و شهرداری ها محور مدیریت اجرایی را بر عهده دارند.

نمودار ۳. کنشگران دخیل در فرایند نوسازی شهری و نهادهای مشترک تسهیل گر؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.



بیان یافته های تحقیق

بعد از روی کار آمدن رضاخان در ایران و علاقه بسیار وی به مظاهر جدید و مدرن شهری، کشور به ناگاه دچار تحولات عمیقی گشت و در قسمت شهرسازی با توجه به ورود اتومبیل و علاقه مردم به تجدد، اولین ضربه مهلک

بر بافتهای کهن شهرها که همانا شکافتن آن برای احداث خیابان بود، آغاز گشت. در این دوره مسئولین، جامعه را با بحران فرهنگی تحقیر آمیزی نسبت به فرهنگ غرب روبرو ساختند و گونه ای از بی هویتی که ناشی از نفی تمام سنتها و فرهنگهای پیشین بود گریبانگیر جامعه گردیده بود و در همین دوران است که به تقلید از افکار شهرسازی غربی که تجربه سالیان متمادی در این امر را داشتند، استفاده از معابر بسیار عریض خطی و متقاطع بافتهای تاریخی شهرها را در می نوردد. البته در پس این سیاست به ظاهر علاقمند به مدرنیته مسلماً افکار نظامی و سیاست کنترل بهتر جامعه در مواقع بحران نیز نباید نادیده گرفته شود؛ چرا که هدف نوسازی شهر های اروپائی و بخصوص پاریس مقابله با ناآرامی های اجتماعی نظیر انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه بود در شهرهای ایران به خصوص تهران نیز به تقلید از طرح نوسازی شهری در اروپا، به ویژه طرح هوسمان در زمان ناپلئون سوم اقداماتی به مانند احداث خیابانهای بوذرجمهری و سیروس در تهران، خیابان پهلوی در تبریز و بسیاری خیابانهای مستقیم و خطی در شهرهای دیگر آغاز به ساخت می نمایند. در این میان نکته ای را نیز نباید فراموش کرد که یکی دیگر از مهمترین اهداف احداث این خیابان های پهن و خطی انتقال راحت تر جنگ افزار نظامی برای سرکوب شورش مردم به منظور تضعیف حکومت بود. در واقع میتوان گفت شعار نوشدن شهرها و تجددگرایی سرپوشی بروی افکار پشت پرده مسئولین وقت بود تا مردم کمتر از نیت اصلی آنان با خبر شده و احیاناً مخالفت خود را از آن اعلام نمایند. مصداق واقعی این مدعا عدم توجه به تاسیسات زیر بنایی شهر همانند سیستم آب و فاضلاب بود. ایجاد این تاسیسات به دلیل عدم نمود شهری و همچنین پُرهزینه بودن و همچنین ترس از ایجاد شبکه های زیرزمینی مطابق آنچه در پاریس بوجود آمده بود هیچگاه اجرا نگردید و بسیاری از اصول و مبانی آن نادیده گرفته شد به هر حال این امر یعنی احداث خیابانهای عریض و شکافتن بافتهای تاریخی در دوره های بعد به خصوص در فاصله سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ رشد بسیار چشمگیری



تصویر ۲. عابر گذر تربیت سال ۱۳۸۷



تصویر ۱. تعریض محور تربیت از طرف راسته کوچه، ۱۳۰۷

شهردار وقت تبریز محمدعلی تربیت به این نام لقب گرفت و از سال ۱۳۷۴ به عابر گذر تغییر کاربری داد، شاخص ترین نمونه و پویاترین حالت یک محور تاریخی را به منحصه ظهور رسانده است، که در این گفتار سعی در دلایل نقاط قوت آن و شناخت نقاط ضعف و در نهایت ارائه راهکارهای علمی و عملی و جامع برای سایر محورهای تاریخی است. بنابراین بعد از شناخت این محور و سیر تحول شهری آن به صورت نوشتاری و گرافیکی نقاط ضعف و قوت بررسی گردیده و با مقایسه سایر محورهای تاریخی شهر تبریز دلایل پایداری این محور و انحطاط سایر محورها بیان خواهد شد و در نهایت راهکارهای علمی و عملی و تجربیات حاصل از این پژوهش و فعالیت ارائه خواهد شد.

شناخت

بحث اصلی در رابطه با یکی از خیابانهای تاریخی و زیبای شهر تبریز است که در بسیاری از اصول و مبانی شهرسازی و مباحث مرمت شهری در نوع خود بی نظیر میباشد. خیابان تربیت اگرچه در سال ۱۳۰۷ خورشیدی به دستور محمد علی تربیت شهردار وقت تبریز احداث میگردد، اما محور اصلی قبل از احداث آن مربوط به چند قرن پیش است. این خیابان که دومین خیابان شهر تبریز بعد از خیابان پهلوی (امام خمینی) میباشد (خیابان پهلوی در سال ۱۳۰۵ احداث گردیده)، امروزه زیباترین خیابان شهر تبریز محسوب شده و پذیرای قشر متنوعی از افراد مختلف شهر در طول روز برای بازدید بوده و هدف از نگارش این مقاله معرفی رمز و راز

می یابد؛ چرا که دولت و مسئولین با توجه به فروش نفت و درآمد سرشاری که نصیبشان می گردید قسمتی را نیز به مسائل شهرسازی اختصاص می دادند. در این سالها با شکل گیری وزارت آبادانی مسکن در دهه چهل شمسی و ارائه طرح های جامع و تشکیل شوراهای عالی شهرسازی در دهه پنجاه و همچنین تاسیس وزارت مسکن و شهرسازی به جای وزارت آبادانی و مسکن در همین دهه، تدوین برنامه های ۵ ساله که همگی در دامن زدن به رشد شهرنشینی بسیار موثر بود و باعث ایجاد شهرک های جدید مرفه نشین و تبدیل بافت های تاریخی به بافت های فرسوده شهری شد. حال با توجه به تمام این توصیف ها و با عطف به اینکه یکی از اصلی ترین عواملی که باعث انهدام بافت های تاریخی گردید خیابان بوده است، لیکن خیابان نیز امروزه در بافت های تاریخی جزئی از بافت محسوب گردیده و باید دید که چه راهکارهایی میتواند به پویا سازی بافت های تاریخی کشور و خیابان های موجود در آن کمک نماید. در این میان پایگاه پژوهشی شهر تاریخی تبریز اقدام به مطالعاتی در رابطه با محور های تاریخی کشور و به ویژه شهر تاریخی تبریز نمودیم و دلایل ضعف و انحطاط اکثر آنها و دلایل کمی و کیفی پیشرفت و یا پسرفت آنها بررسی گردید و راهکارهای اجرایی مناسبی جهت بهره وری و استفاده در حل مشکلات محورهای قدیمی و در نهایت پویاسازی محورهای تاریخی اتخاذ گردید. در میان نمونه های بررسی شده محور تاریخی تربیت تبریز که بعد از تعریض در سال ۱۳۰۷ شمسی به دستور

شده و بیشتر به محلی برای عمده فروشی و پرداختن به کارهای خدماتی و مشاغل نا همگون تبدیل گشته، بافتی پویا و سرزنده داشته و یکی از بهترین مراکز گردشگری- تفریحی شهر است.

سیر تحول خیابان تربیت

این خیابان همانطور که ذکر شد، در سال ۱۳۰۷ ه.ش احداث گشت. این خیابان قبل از احداث، محوری بود تاریخی که از یکی از ۹ دروازه قدیمی شهر تبریز نوبر آغاز و پس از عبور از محلات اصیل شهر تبریز و چندین مرکز محله و سپس راسته های بازار به دروازه های خروجی شهر منتهی می گشت، که معروفترین آنها دروازه استانبول بود که از آنجا مسیر اروپا را در می نوردید و در واقع ادامه مسیر فرعی جاده ابریشم بود. در واقع خیابان تربیت جزء معدود خیابان های احداث



تصویر ۳. محور تربیت در زمان احداث، سال ۱۳۰۷؛
ماخذ: آرشیو نگارنده.

موفقیت این خیابان تاریخی و طرق الگو برداری از آن در احیاء و مرمت دیگر خیابان های تاریخی شهرهای دیگر است. این محور علی رغم بسیاری از محورهای تاریخی شهر های دیگر کشورمان که روز به روز فرسوده تر



تصویر ۱. محدوده دروازه های تبریز - دروازه های تبریز ۱۳۲۲ ه.ش



تصویر ۲. محدوده های تبریز - محدوده های تبریز ۱۳۲۲ ه.ش



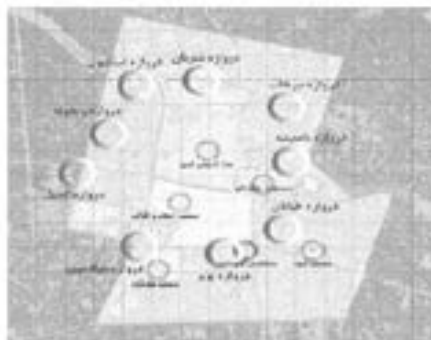
تصویر ۳. محدوده های تبریز - محدوده های تبریز ۱۳۲۲ ه.ش



تصویر ۴. محدوده های تبریز - محدوده های تبریز ۱۳۲۲ ه.ش



تصویر ۵. ساختمانی در محدوده های تبریز - ساختمانی در محدوده های تبریز ۱۳۲۲ ه.ش



تصویر ۶. محدوده های تبریز - محدوده های تبریز ۱۳۲۲ ه.ش

تصویر ۷. محدوده های تبریز - محدوده های تبریز ۱۳۲۲ ه.ش

شده در آن دوران محسوب می گردد که نه با شکافتن بافت و بصورت کاملاً خطی که در آن دوران از طرح های رایج و معمول خیابان کشی ها محسوب می شد، بلکه منطبق بر معبری قدیمی و صرفاً با تعریض آن احداث گشت که این در نوع خود در آن مقطع امری کم نظیر محسوب می گردید. سیر تحول این محور بر روی اسناد تاریخی تبریز که در تصاویر زیر بررسی شده مصداق واقعی این مطلب می باشد.

در واقع تعریض محوری قاجاری با همان حالت ارگانیک و غیرخطی خویش و نوعی بدنه سازی که مختص معماری دوره اول پهلوی بود در دو طرف این خیابان شکل گرفت. بنا بر این ساختمانهای دو طبقه که در بر گیرنده واحد های تجاری در همکف و واحد های دفتری- خدماتی و گاهاً مسکونی در طبقه بالا و در پشت این جداره نیز بافت مسکونی تاریخی بر جای مانده از قرون پیش سر جای خود به زندگی روزمره ادامه می داد و در واقع نقش اصلی این محور که در اواخر زندگی و پس از احداث باروی معروف نجفقلی خان دنبلی که همانا تجاری بودن آن، پیشوازی برای ورودی به بازار سرپوشیده تبریز بود به همان صورت ولی در قالبی جدید تر که بیانگر نوع تفکر و سیاست حاکم بر جامعه بود شکل گرفت. تقریباً کمی پس از شروع احداث این خیابان، خیابان فردوسی تبریز از مقابل ارک علیشاه تبریز به طرف خیابان شاه بختی (مجاور بازار) شروع به اجرا میگردد که با توجه به برخورد آن با محور تربیت، محور به دو طول کوچک و بزرگ منفصل گردید، که به محور تربیت بزرگ و تربیت کوچک مشهور گشت. خیابان تربیت به عنوان یکی از شاخص ترین محورهای شهر در سال ۱۳۲۶ مقارن با دوره حکومت پیشه وری رئیس حکومت خود مختار آذربایجان آسفالت گردید و جالب اینکه محل استقرار پیشه وری در ساختمانی در همین خیابان بود. (آرشیو پایگاه میراث فرهنگی تبریز) اما بعد از گزارش خلاصه ای از سیر تحولات این خیابان شاید بتوان مهمترین تحول ایجاد شده بر روی این محور را به سالهای بعد از انقلاب اسلامی در ایران اشاره نمود که همانا تبدیل این محور تاریخی (محور تربیت بزرگ)

در سال ۱۳۷۴ ه.ش به عابر گذر می باشد. رجوع به اسناد و تصاویر قبل از عابر گذر شدن این محور نشان می دهد که فرسودگی مفرط در این محور بیش از هر چیز به چشم میخورد و بار ترافیکی سنگین ناشی از حرکت اتومبیل در این محور نه چندان عریض که به دنبال خود آلودگی های مختلفی را به دنبال داشت، جداره ها و نماهای تاریخی را بیش از هر چیز تهدید می نمود. عدم امنیت پیاده باعث عدم رفت و آمد مردم در آن شده و بیشتر تبدیل به یک محور تردد اتومبیل به مانند بسیاری از محورها و خیابان های قدیمی شهرهای دیگر بود، بنابراین لزوم حذف ترافیک اتومبیل از آن به عنوان اقدامی عملی انجام پذیرفت. به دنبال آن با طراحی تمامی المانهایی که می توانست یک مبلمان شهری دلچسب همراه با احترام به تاریخ محله را برای مردم منطقه به ارمغان آورد، ارائه گردیده و مردم شاهد سنگفرشی زیبا در طول محور به همراه باغچه های طراحی شده که در کنار خود نیمکتهائی برای استراحت افراد داشتند، شدند که حتی برای عبور صندلی چرخدار و کالسکه کودکان نیز مغبری تعریف و طراحی گردیده بود. در کمتر از چند ماه محور فرسوده تربیت تبدیل به یکی از پویا ترین و فعالترین محور های شهر شده، به طوری که در کمتر از دو سال به مهمترین مرکز تفریحی- تجاری شهر بدل گشت که در پس آن نیز ماهیت مسکونی بافت همچنان پابرجا بوده و هیچ خللی به آن وارد نشد.

مقایسه دیگر محورهای تاریخی تبریز با عابر گذر تربیت

در این قسمت چند محور تاریخی شهر تبریز را که در بسیاری از ادوار از اهمیت بیشتری نسبت به محور تربیت برخوردار بوده و اینک به یک محور حاشیه ای و یا خارج از ضوابط بافت تاریخی تبدیل گشته را معرفی و در نهایت مقایسه ای اجمالی بین این محورها و محور تربیت انجام خواهد شد.

الف) محور کهنه خیابان: محور کهنه خیابان تبریز تا قبل از احداث خیابان پهلوی اصلی ترین محور ورودی شهر تبریز محسوب گردیده که منطبق بر راه فرعی جاده ابریشم بوده و در آماده سازی پرونده ثبت جهانی



تصویر ۱۱. معنوده کهنه خیابان محله همجواری تربیت بر روی عکس هوایی سال ۱۳۳۷



تصویر ۱۰. محدوده کهنه خیابان سال ۱۳۳۷

خوش تغییراتی شده است که از آن به عنوان نوسازی و بهسازی بافت فرسوده یاد میشود.

ب) محور مقصودیه: این محور در واقع در امتداد همان محور تربیت ولی در خارج از باروی قدیمی و دروازه نوبر بود که پس از رسیدن به دروازه نوبر از طریق محور تربیت به مرکز اصلی شهر می رسید. این محور قدیمی به علت تعریف نشدن نقش محوری آن در طول سالیان متمادی و پس از گذشتن یک خیابان عریض از داخل آن که میتوانست از جای دیگری عبور کند و یا حداقل

بازار تبریز نیز به عنوان شاخص ترین محور گذری در حریم این بازار در نظر گرفته شده است، اما همانطور که در نقشه ها و عکسها مشاهده می گردد، از این محور تاریخی که در واقع از حوالی چهارراه منصور تبریز شروع و بعد از عبور از کهنه بازار و دروازه خیابان، رنگچی بازار را طی نموده و با گذر از راسته اصلی بازار تبریز به دروازه استانبول رسیده و راه اروپا را طی می نمود، دیگر چیزی باقی نمانده مگر امتدادهای بسیار کوتاه که هیچ تناسخی نیز ما بین آنها وجود ندارد. محور مذکور دست



تصویر ۱۳. محور مقصودیه (نکته بهنام)



تصویر ۱۲. خیابان جدید الاحداث، ۱۳۳۷

به صورت زیرگذر با این محور برخورد کند از حالت تاریخی و دنج بودن خود که بسیار جو مسکونی-تجاری و زیبایی بر آن حاکم بود، در آمده و از اقتدار اولیه آن کاسته شده است.

ج) محور ویجویه: این محور در سمت غربی بازار تبریز میباشد که از دروازه گجیل مسافران را به طرف مرکز شهر رهنمون می ساخت و یکی از شاخص ترین محورهای تاریخی شهر محسوب می گردید. امروزه



تصویر ۱۴. خیابان جدید الاحداث از محله مقصودیه بر روی عکس هوایی سال ۱۳۳۷



تصویر ۱۶. محلات قدیم همجوار با محله تربیت در عکس هوایی سال ۱۳۸۷



تصویر ۱۵. تصویری از مرکز محله ونجویه

دنبال داشت:

۱- احساس آرامش و امنیت در هنگام گشت و گذار در داخل محور.

۲- این محور با توجه به تاریخی بودن و بر خورداری آن از نماها و نشانه های فراوان شهری که تداعی کننده بیش از یک قرن تحولات شهرسازی شهری می باشد باعث افزایش میزان یادگیری و تعلق خاطر مردم میشود.

۳- این محور به علت حضور مستمر در بافتهای پیرامونی و همجواری با بناهای تاریخی اطراف و رعایت مقیاس انسانی، تناسب و تواضع نسبت به مخاطب حس احترام متقابل افراد را نسبت به آن افزایش می دهد.

۴- کاهش آلودگی های صوتی و هوا و همچنین بهبود سیمای شهر.

۵- رونق این محور به بالارفتن ارزش بافتهای مجاور منجر شده که در نهایت به افزایش اعتبار این محور منتهی گردیده است.

بررسی نمونه هایی از عابرگذرهای مختلف در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه

زمانی که تاریخ را مرور کرده و ادبیات مرمت شهری جهان را بازنگری می کنیم به نتایجی می رسیم که افسوس ما را چندین برابر می کند و آن این است که در اوایل قرن بیستم که در ممالک غربی و کشور های پیشرفته و توسعه یافته در حال برگزاری نشست ها و کنگره هایی برای تدوین منشورها و قوانین وضوابط به

از این محور تاریخی که شامل چند مجموعه کامل میدانچه، حمام و مسجد های محله ای در طول مسیر خود بود دیگر رمق چندانی باقی نمانده و به یک محور حاشیه ای تبدیل گشته است، و بسیاری محورهای دیگر تاریخی که هر کدام از یکی از ۹ دروازه قدیمی شهر تبریز وارد شهر می گشت و امروزه یا به کلی از بین رفته اند و یا اهمیت و اقتدار آن از بین رفته است.

دلایل اصلی شاخصیت محور تربیت در روند شهر سازی جدید

بی شک دلایلی چند را می توان برای شاخصیت این محور نسبت به محورهای تاریخی دیگر بیان نمود که هر کدام به عنوان عاملی مهم بر سرنوشت این محور تاثیر گذار بوده اند. به طور کلی پس از بررسی و پژوهش های فراوان بر روی این محور عوامل زیر به عنوان مهمترین عوامل تاثیر گذار بر محور مشخص گردیدند:

الف) منطبق بودن محور تربیت بر همان گذر تاریخی شهر که از قرون متمادی پیشین تاکنون پا برجا بوده است.

ب) نقش خیابان تربیت به عنوان یکی از مهمترین محورهای تاریخی ورودی شهر از قدیم الایام تاکنون.

ج) جلوگیری از حرکت سواره و کاهش بار ترافیکی ناشی از اتومبیل در آن که با تبدیل این محور به عابر گذر انجام پذیرفت و باعث رونق خرده فروشی و فروش اجناس لوکس گردیده و رغبت مردم و به خصوص خانواده ها برای بازدید از آن بیشتر گردید.

به طور کلی عابر گذر شدن این محور محاسن زیر را به

تصویر ۱۸. انتهای خیابان شانزه لیزه، طاق نصرت؛ ماخذ: آرشیو نگارنده.



تصویر ۱۹. نمونه ای از عابر گذرهای شهر کپنهاگ در دانمارک؛ ماخذ: آرشیو نگارنده.



تصویر ۲۰. تصویر قدیمی از لیس مارکت ناتینگهام؛ ماخذ: آرشیو نگارنده.



جهت ارزش نهادن به بافت های تاریخی شان برای حفظ و حراست و بازآفرینی وباززنده سازی چنین مجموعه های شهری در حال چالش هستند و مقارن با آن در کشور ما که دارای بافت های غنی شهری و به سبک های متفاوت (بر حسب تقسیمات اقلیمی حاکم بر جو کشور) بوده سرگرم الگو برداری غلط و بدون مطالعه در نوع سنت و فرهنگ یک جامعه ایرانی در حال تخریب بافت ها در کل و محلات در جزء هستند به این نوع اقدامات به بهانه تجدد گرایی و بهره مند شدن از امکانات روز به خصوص اتومبیل انجام می شود. به طور کلی پس از تولید انبوه اتومبیل و دردسترس قرار گرفتن آن برای اکثر اقشار مردم و تردد بیش از حد آن در خیابانها مفهوم عابر گذر در کشور های توسعه یافته شکلی جدی تر و اساسی تر نسبت به گذشته به خود گرفت. شاید بتوان اولین و یکی از زیباترین عابر گذرهای دنیا که در اوایل ورود اتومبیل به زندگی شهری شکل گرفت را عابر گذر شانزلیزه در پاریس معرفی نمود که فرانسویها به آن «La plus belle avenue du monde» یعنی زیباترین خیابان جهان می گویند که در منطقه ۸ پاریس در شمال غربی این شهر قرار دارد (اسمعیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

آغاز این بلوار از سال ۱۹۱۰ و از شرق میدان کنکورده شروع و تا پایان میدان شارل دوگل ادامه می یابد. طاق نصرت معروف پاریس در پایان این خیابان واقع گردیده است، از اواسط دهه بیستم در آلمان و در شهرهای اسن و کلن اولین عابر گذرها شکل می گیرد؛ به طوریکه تا سال ۱۹۵۵ تعداد بیست و یک شهرداری عابر گذر می گردد.

تصویر ۱۷. خیابان شانزه لیزه، پاریس؛ ماخذ: آرشیو نگارنده.



تصویر ۲۱. کوونت گاردن لندن و تصویر ۲۲. تصویر جدید از لیس مارکت ناتینگهام؛ ماخذ: آرشیو نگارنده.



تصویر ۲۴. لیس مارکت ناتینگهام

در کپنهاگ دانمارک که یکی از بزرگترین شهرهای جهان میباشد، مسئولین شهر به علت وجود جاذبه های قرون وسطائی شهر در طی یک دوره چهل ساله، خیابان اصلی شهر را به یک خیابان پیاده تبدیل کرده و برنامه ریزان طی مراحل مختلف، شهر را از یک شهر با غلبه اتومبیل به یک شهر برای مردم تبدیل نمودند. نمونه های این محدوده ها را در انگلستان میتوان در برادفورد، محله جواهر فروشان در بیرمنگام، لیس مارکت ناتینگهام (هفت شهر، ۱۳۷۹: ش اول) کوونت گاردن (معماری و فرهنگ، ۱۳۸۰: ش ۸) و چیپ ساید لندن مشاهده نمود (شارستان، ۱۳۸۴: ش ۷ و ۸).

همچنین طرح باز زنده سازی محله قدیمی سالرنو در ایتالیا از نمونه های بسیار زیبای باززنده سازی می باشد که در آن از طریق طراحی پارک - شهر با حفظ بناهای موجود و ایجاد مکانی همگانی برای فراهم آوردن فضایی ملموس برای آیندگان و ساخت موزه های مختلف گیاه شناسی، باغ موزه و مدرسه مرمت اقدام شده است (معماری و فرهنگ، ۱۳۸۰: ش ۸). از مثال هایی که برای کشورهای در حال توسعه میتوان

برشمرد بافت تاریخی قاهره می باشد که با بهبود دسترسی های بافت تاریخی قاهره از طریق پیش بینی رفت و آمد متناسب با ظرفیت محیطی و افزایش سرمایه گذاری و بهسازی ساختار مالی برای گرد آوری سرمایه و پشتیبانی از روند احیا به کمک قدرتی کارآمد و مشارکت فعال مردم محلی انجام پذیرفته است (هفت شهر، ۱۳۷۹: ش ۲).

شهر بخارا را شاید بتوان یکی از شهرهای در حال توسعه ای دانست که دارای مشترکات فرهنگی بسیار زیادی با شهرهای تاریخی ایران می باشد. بافت تاریخی شهر بخارا و مرمت شهری در آن با ایجاد فضاهای باز در اطراف بناهای تاریخی به منظور خلق بهترین دید و منظر شهری گرچه تا حدی عدول از موازین و معیارهای منشورهای بین المللی محسوب می گردد؛ اما از این شهر مکانی کاملاً توریست پذیر و زیبا ساخته است

تصویر ۲۳. مدل مفهومی مداخله در بافتهای تاریخی واجد ارزش



ماخذ: ترسیم نگارنده.

جزئی از خاک ایران بوده و هنوز هم بسیاری از مردم این سرزمین به یادگیری آداب و رسوم ایرانیان علاقه فراوانی از خود نشان می دهند یا از دیگر شهرهای تاریخی کشورهای در حال توسعه که قرابت فراوانی از لحاظ بافت فرهنگی و حتی جغرافیایی با ایران دارد را می توان منطقه بالتیستان در سرحدات شمال پاکستان نام برد که امروزه با مرمت و باززنده سازی نواحی و عمارت های تاریخی منطقه استفاده از مصالح و تکنیک های سنتی و ساماندهی ترافیک به منطقه گردشگری و توریست پذیر و زیبا مبدل گشته است.

(P115-118:2002, Bianca, Stefano)

نمونه های طراحی شده در ایران

از نمونه های طراحی شده در ایران می توان محور پیاده جنت در مشهد را به عنوان یکی از عابر گذر های شاخص بعد از محور تربیت تبریز نام برد. پیش از پیاده سازی این محور، تداخل حرکت سواره و پیاده به حدی بود که حرکت در آن مختل می شد و از آنجا که به موازات خیابان جنت دسترسی سواره مناسبی وجود دارد حذف حرکت سواره هیچگونه تاثیری در حرکت و ترافیک پیرامون این معبر ایجاد نمی کرد و به همین دلیل به راحتی نقش یک محور ویژه پیاده را پذیرفت. این محور با قرار گیری در بافت تاریخی شهر و امکان برخورداری از محور های مناسب سرویس دهنده به نقاط پیرامونی آن از مکانیابی نسبتاً خوبی برخوردار است. در بازدید انجام شده از بافت تاریخی شیراز، کارهای انجام شده توسط سازمان عمران و بهسازی شیراز که با نظارت میراث فرهنگی استان انجام پذیرفته بود اگرچه در بسیاری از مسائل مرمت شهری و رعایت اصول آن موفق بود، ولی دارای یک مشکل اساسی نیز بود که مهمترین آن عدم پویاسازی این محدوده از شهر می باشد. احیاء و بازسازی محور سنگ سیاه نمونه اصلی این مدعاست که البته با کمی دقت و ارائه راهکارهای مناسب می توان این مشکل را نیز حل نمود. شاید تنها شهر ایرانی را که بتوان در آن بسیاری از پتانسیل های انجام یک مرمت شهری کارآمد را به وضوح مشاهده نمود شهر اصفهان می باشد و در همین راستا یکی از زیباترین



تصویر ۲۵. بافت تاریخی قاهره، مصر



تصویر ۲۶. تصویری از بافت بخارا

که با تکیه بر ایجاد غرور شهروندی و هویت فرهنگی که میتوان آنرا نزد تک تک افراد شهر رویت نمود به الگوهای اصیلی در این زمینه دست یافته اند.

اگرچه طراحی و مرمت شهری بسته به نوع بافت و فرهنگ و اقلیم هر شهر نسبت به شهری دیگر متفاوت است، اما میتوان از بسیاری از شهرهایی که دارای آداب و رسوم مشترک بسیاری با شهرهای کشورمان است الهامات فراوان در بحث مرمت شهری گرفت. کما اینکه شهری مثل بخارا تا کمتر از دو قرن پیش

محور های احیاء شده در این شهر محور جلفا بوده که جذب گردشگران زیادی را نیز برای بازدید در طول سال به دنبال دارد. در این محور نگهداشتن گردشگر در محله به بهانه های مختلف به خوبی به چشم میخورد، که با ایجاد قطب های فرهنگی و فضاهای مناسب پذیرایی و ارتقاء تک بناهای با ارزش تاریخی و ایجاد اماکن اقامتی مناسب به گونه ای از پویاسازی بافت تاریخی دست یافته است.

نتیجه گیری و جمع بندی

در جامعه کنونی ما مفاهیم میراث فرهنگی و تاریخی با فرهنگ موجود مرمت تضاد دارد. نحوه برخورد با بافت میراثی از سویی می تواند منجر به سنت پرستی و از سوی دیگر منجر به قطع ارتباط با گذشته شود. در کشورهای در حال توسعه هرچه رشد اقتصادی و ساخت و ساز سریع تر باشد، مغایرت توسعه با حفظ اصالت و یکپارچگی بافت های قدیم بیشتر دیده می شود، و در شرایط فعلی بافت شهرهای ایران، لزوم گره زدن مسایل توسعه این گونه بافت ها با ضرورت های میراث، الزامی به نظر می رسد و نحوه برخورد قوانین میراث فرهنگی با بافت های تاریخی (فرهنگ علیه فرهنگ)، باعث تخریب بافت و از بین رفتن اصالت آن شده است. به اعتقاد برخی معماران عدم توجه به توسعه همگام و همگرا با حفظ و بهره برداری از میراث تاریخی کشور و تضاد مفاهیم میراث فرهنگی و تاریخی با فرهنگ موجود توسعه در جامعه موجب می شود که مرمت های انجام شده در بافت های تاریخی در تضاد با اصالت و حفظ یکپارچگی بافت باشند؛ لذا اینجاست که بنیاد و جایگاه ارزش ها، اصالت معنایی - رفتاری خود را از دست می دهد و می بایست فکری به حال آن اندیشید.

از سویی دیگر، معماری و شهر سازی هر منطقه با توجه به نوع اقلیم و موقعیت های جغرافیایی و استراتژیک منطقه ای با مناطق دیگر متفاوت است. ارائه نمونه های مختلف مرمت شهری در کشورها و یا شهر های مختلف حاکی از همین مطلب بود و آن اینکه نمیتوان برای احیاء بافت های تاریخی مناطق مختلف دنیا یک راهکار ثابتی را ارائه داد چرا که آسیبها و بیماری های بافت

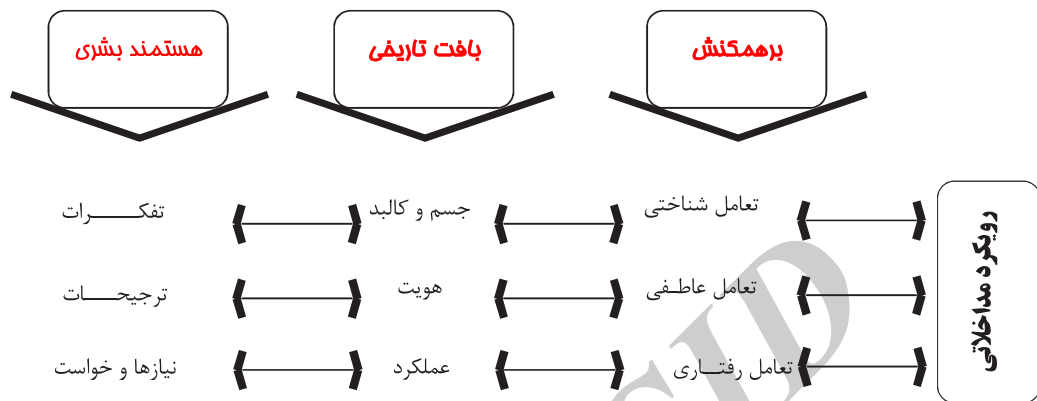
های مختلف با یکدیگر متفاوت بوده و درمانهای مختلفی را نیز طلب می نماید. بطور خلاصه بهترین راه حل ها برای پویاسازی و احیاء و ساماندهی بافتها و محلات تاریخی را میتوان چنین بیان کرد:

الف- پویاسازی بافت های تاریخی مهمترین رکن احیاء و ساماندهی بافت های تاریخی کشور است برای نیل به این مقصود شاید اساسی ترین کار ایجاد امنیت و آسایش در بافت های قدیمی و ارزشمند است، یعنی سازمانهای وابسته به این امر مخصوصاً شهرداری و سازمان میراث فرهنگی باید شرایطی را فراهم نمایند تا افراد ساکن در محلات قدیمی هیچ تفاوتی را میان معیشت در بافت های قدیمی و جدید نه تنها ندیده بلکه با مشوق هایی از جمله اهدای وام، حذف مالیات و دارایی و ارائه یارانه های خدماتی - رفاهی آنان را بیش از پیش تشویق به ماندن و حفظ و رسیدگی به محل خود نمایند.

ب- حفظ آثار تاریخی در اولویت اول، که این امر در رابطه با طرح های جدید شهری می بایست تأکیداً مدنظر قرار گرفته و حتی در مبحث حرایم نیز دقت لازم انجام پذیرد تا آنچه که در مجاورت میدان نقش جهان انجام پذیرفت، دیگر اتفاق نیافتد که باعث تخریب بخشی از ساختمان جهان نما در ارتفاع گردیده و بسیاری از سرمایه عمومی در این میان از بین رفته و یا احداث مسیر مترو و برخورد آن با خیابان چهار باغ که باعث توقف پروژه گردید و به مقدار قابل توجه، وقت و هزینه به هدر رفت. در این راستا به عنوان مثال در رابطه با احداث مسیر متروی تبریز پایگاه شهر تاریخی تبریز از همان ابتدا با مدیر عامل سازمان قطار شهری استان وارد بحث و جلسات متعدد گردیده و از همان ابتدا مسیر های مشکل ساز در محدوده بافت تاریخی بررسی و در جاهای ضروری تغییر مسیر آن در دستور کار قرار گرفت.

ج- با توجه به اعتبارات اندک سازمان میراث فرهنگی در رابطه با عمران و بهسازی و احیاء بافت های تاریخی و در مقابل اعتبارات بسیار زیاد شهرداری برای انجام امور شهری، سازمان میراث فرهنگی می بایست با استفاده از مشاوران ذیصلاح برای انجام مطالعات و طرح های

رویه و فرآیند مفهومی مدافله در بافت‌های واجد ارزش تاریفی



آن و همچنین تبیین نقش راهبردی بافت های تاریخی کشور در چشم انداز برنامه بیست ساله که چه تاثیری در قبال جذب توریست میتوانند داشته باشد، چرا که بدون حفظ و صیانت از بافت های تاریخی مسلماً رسیدن به جذب بیست میلیون گردشگر خارجی در سال ۱۴۰۴.ش سرابی بیش نخواهد بود.

منابع و کتاب شناسی

- (۱) آرشیو پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی تبریز.
- (۲) آرشیو سازمان اسناد منطقه شمال غرب کشور.
- (۳) آرشیو سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.
- (۴) آرشیو شهرداری منطقه تاریخی - فرهنگی تبریز.
- (۵) اسدالهی، شیوا (۱۳۸۰) طرح حفاظتی کاونت گاردن درلندن، معماری و فرهنگ، شماره ۸، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
- (۶) اسمعیلی سنگری، حسین (۱۳۸۷) معماری سردرب های تاریخی تبریز، انتشارات ستوده، تبریز.
- (۷) بحرینی، سید حسین و بهناز امین زاده (۱۳۸۵) طراحی شهری در ایران: نگرشی نو، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- (۸) بحرینی، سید حسین (۱۳۸۲) فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۹) بذرگر، محمد رضا (۱۳۷۷) بررسی و شناخت

مرمتی و احیاء و سامان دهی بافت‌های تاریخی امور اجرائی را در قالب تفاهم نامه هائی با شهرداری با نظارت مستقیم بر حسن اجرای آن، این امر را در مسیر درست هدایت نموده و در این راستا رسالت اصلی شهرداری که در واقع متولی تمامی امور شهرسازی در شهر میباشد نیز انجام خواهد پذیرفت.

د- همفکری و مشاوره همیشگی میان سازمانهای ذیربط در امور شهری، که در این راستا نقش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به عنوان یکی از پایه های اصلی کمیسیون ماده پنج بسیار پررنگ بوده و طبق ماده ۱۱۵ قانون برنامه چهارم توسعه مشتمل بر مواد ۱۶۵ و ۱۶۶ قانون برنامه سوم توسعه و همچنین مصوبه هیئت وزیران در مورد انجام مطالعات فرهنگی و تاریخی قبل از اجرای پروژه های بزرگ عمرانی در سال ۱۳۸۲ و همچنین مصوبه شورای عالی شهر سازی مبنی بر داشتن حق وتو برای سازمان میراث فرهنگی در محدوده بافت‌های تاریخی مصوب، وظیفه این سازمان در پیگیری ضوابط و مقررات اجرایی این محدوده ها خطیرتر و سنگین ترمی باشد که مهمترین آن تصویب بافت های تاریخی شهرها در کمیسیون ماده ۵ استان و به تبع آن شورای عالی معماری و شهرسازی کشور می باشد.

ه- برگزاری سمینارها و همایش های تخصصی در رابطه با آشنایی افراد با بافت های تاریخی و تشویق به احیاء

- ۳۳-۴۱ . ساخت اصلی شهر نمونه موردی در ایران شیراز، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنر های زیبا، دانشکده معماری و شهر سازی.
- (۱۰) بنتلی و دیگران (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه: مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
- (۱۱) بیکن، ادموند (۱۳۷۶) طراحی شهرها، ترجمه: فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- (۱۲) پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵ الف) سیمای شهر آنچه کوبین لینچ از آن می فهمید، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
- (۱۳) پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، تهران: انتشارات پیام.
- (۱۴) پورجعفر، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۵) مبانی طراحی محور های شاخص شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
- (۱۵) توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۲) طراحی فضای شهری، جلد ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- (۱۶) توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری جلد ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- (۱۷) تولایی، نوین (۱۳۸۶) شکل شهر منسجم، انتشارات امیر کبیر، تهران
- (۱۸) تیزدل، استیون تنداک و تیم هیث (۱۳۷۹) احیای محله های صنعتی و تجاری، مترجم: بهرام معلمی، هفت شهر، شماره اول، سازمان عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهر سازی، تهران.
- (۱۹) جیم، آنتونیو (۱۳۷۹) بافت تاریخی قاهره، مترجم: نیلپر هنرور، هفت شهر، شماره دوم، سازمان عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- (۲۰) حبیبی و مقصودی، سیدمحسن و ملیحه (۱۳۸۶) مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- (۲۱) حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰) فضای شهری، حیات واقعی و خاطره های جمعی، مجله صفا، شماره ۲۸، صص
- ۲۲) حجت، عیسی، (۱۳۸۴) هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۵۹-۵۷.
- (۲۳) حمیدی، ملیحه (۱۳۷۲) نقش فرم، الگو و اندازه شهر در کاهش آسیب پذیری از زلزله، هشتمین سمینار بین المللی پیش بینی برابر زلزله تهران: دانشگاه تهران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
- (۲۴) حمیدی، ملیحه (۱۳۷۵) کنکاشی در الگوی ساختاری و استخوانبندی شهرهای کهن ایران، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
- (۲۵) حمیدی، ملیحه (۱۳۷۶) استخوانبندی شهر تهران، انتشارات سازمان مشاور فنی ومهندسی شهرداری تهران
- (۲۶) زیاری، کرامت الله (۱۳۸۴) برنامه ریزی شهرهای جدید، تهران، انتشارات سمت
- (۲۷) سند نارا (۱۹۹۴) سایت مرمنگر، پیش گفتار نارا، بند ۱۱ و ۱۲.
- (۲۸) شکوئی، حسین (۱۳۸۲) دیدگاههای نو در جغرافیای شهری (جلد اول)، تهران، سمت
- (۲۹) شکوئی، حسین (۱۳۸۵) جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی
- (۳۰) شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
- (۳۱) طیبی، غفاری (۱۳۸۹) راهبردهای مطالعه فرم شهری در ایران، همایش ملی معماری و شهر سازی، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی
- (۳۲) کازویو، سجیما، نیشیزوآ، ریو (۱۳۸۰) طرح باززنده سازی ناحیه قدیمی سالرنو، مترجم: شکوه لامیان، معماری و فرهنگ، شماره ۸، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- (۳۳) کن، پاول (۱۳۸۴) طراحی شهری در بافت موجود، نگاهی به طراحی شهری ترنال، شارستان، ش ۷ و ۸ تهران.
- (۳۴) کوآن، رابرت (۱۳۸۵) اسناد هدایت طراحی

فرهنگ اسلامی تجلیات عینی و تألیفی، اصفهان: راهیان. (۴۸) نقی زاده، محمد (۱۳۷۹) رابطه هویت سنت معماری با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای زیبا شماره ۷، صص ۴۴-۳۹. (۴۹) یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۷) تاریخ حفاظت معماری، ترجمه م، طالبیان و خ، بهاری، انتشارات روزنه، چاپ اول، صص ۳۲۳-۳۲۲.

(50) Bianca Stefano urban conversation in the islam world "Iran Architecture for changing societeie" edited by Philip Jodidio Aga khan award for architectur 2002.

(51) Yazd-Iran

(52) www.jumaccess.org.uk

(53) www.wt-group.com

(54) www.kave-d.persiangig.ir

(55) www.oldukphotos.com

(56) www.travel-aziaworld.uz

(57) www.spacesyntax.com

(58) www.upload.wikimedia.org

(59) www.top10inlondon.com

(60) www.wikitravel.org

(61) www.imagesofanthopology.com

(62) www.imagesofanthopology.com

(63) www.spacesyntax.com

تصویر ۱- تعریض محور تربیت از طرف راسته کوچک، ۱۳۰۷؛ منبع (آرشیو تصاویر جدید الاسلام)؛ تصویر ۲- عابر گذر تربیت سال ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۳- محور تربیت در زمان احداث، سال ۱۳۰۷، منبع (آرشیو تصاویر جدید الاسلام)؛ تصویر ۴- محدوده محور تربیت، نقشه دارالسلطنه تبریز، ۱۲۹۷ ه.ق، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۵- محدوده محور تربیت، خریطه شهر تبریز، ۱۳۲۶ ه.ق، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۶- محدوده محور تربیت، خریطه شهر تبریز، ۱۳۰۹ ه.ش، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۷- محدوده محور تربیت، دوره پهلوی دوم، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۸- محدوده بافت تاریخی شهر تبریز و بلوک تربیت، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۹- جانمایی محدوده محور تربیت و خیابان کشی های معاصر بر روی عکس

شهری، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینیون، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلیمی.

(۳۵) گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۹) دانشنامه زیبایی شناسی، ترجمه صانعی دره بیدی و دیگران، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ چهارم (۳۶) گلکار، کوروش (۱۳۸۲) از تولد تا بلوغ طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۶

(۳۷) لینچ، کوین (۱۳۸۱) بازنگری در سیمای شهر ترجمه کوروش گلکار، نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۴

(۳۸) لینچ، کوین (۱۳۸۱) سیمای شهر ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران (۳۹) لینچ، کوین؛ (۱۳۸۴) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران (۴۰) مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران

(۴۱) موثقی، رامین و سحر آیرملو (۱۳۸۵) عناصر هویت فرهنگی در شهر، همایش بین المللی شهر برتر طرح برتر، سازمان عمران شهرداری همدان، ص ۲.

(۴۲) نقی زاده، محمد (۱۳۷۵) تقابل سبکهای معماری وارداتی با ارزشها و اصول حاکم بر معماری اسلامی، مجموعه مقالات سومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

(۴۳) نقی زاده، محمد و بهناز امین زاده، (۱۳۸۲)، مفهوم و مراتب فضای کیفی، فرهنگستان هنر، مجله خیال، شماره ۸، ص ۹۹.

(۴۴) نقی زاده، محمد (۱۳۷۹) (ب) رابطه هویت سنت معماری ایرانی با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای زیبا شماره ۷، تابستان.

(۴۵) نقی زاده، محمد (۱۳۸۱) الف) تأثیر معماری و شهر بر ارزشهای فرهنگ، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱، تابستان.

(۴۶) نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) الف) معماری و شهرسازی اسلامی، اصفهان، راهیان.

(۴۷) نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) ب) مبانی هنر دینی در

هوایی سال ۱۳۳۵، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۱۰- محدوده
کهنه خیابان ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۱۱- محدوده
کهنه خیابان محله همجوار بلوک تربیت بر روی عکس
هوایی سال ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۱۲- خیابان
جدید الاحداث ارک جدید ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛
تصویر ۱۳- محور مقصودیه (خانه بهنام)، منبع (مؤلف)؛
تصویر ۱۴- جاگذاری خیابان جدید الاحداث ارک جدید
در محله مقصودیه روی عکس هوایی سال ۱۳۳۵، منبع
(مؤلف)؛ تصویر ۱۵- تصویری از مرکز محله ویجویه، منبع
(مؤلف)؛ تصویر ۱۶- محلات قدیمی همجوار با محله
تربیت در عکس هوایی سال ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛
تصویر ۱۷- خیابان شانزه لیزه، پاریس، منبع (www.wt-
group.com)؛ تصویر ۱۸- انتهای خیابان شانزه لیزه،
طاق نصرت (Arc de Triomphe) منبع (kave-d.)
(persiangig.ir)؛ تصویر ۱۹- نمونه ای از عابر گذر های
شهر کپنهاک در دانمارک، منبع (google earth)؛
تصویر ۲۰- تصویر قدیمی از لیس مارکت ناتینگهام، منبع
(www.oldukphotos.com)؛ تصویر ۲۱- تصویر جدید
از لیس مارکت ناتینگهام، منبع (www.spacesyntax.
com)؛ تصویر ۲۲- لیس مارکت ناتینگهام، منبع
(www.spacesyntax.com)؛ تصویر ۲۳- کوونت
گاردن لندن، منبع (www.upload.wikimedia.org)؛
تصویر ۲۴- سالرنو ایتالیا، منبع (www.wikitavel.)
(org)؛ تصویر ۲۵- بافت تاریخی قاهره، مصر، منبع (www.
imagesofanthopology.com)؛ تصویر ۲۶- تصویری
از بافت بخارا، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۲۷- عابر گذر جنت
مشهد، ۱۳۸۷، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۲۸- نمونه های طراحی
شده در بافت تاریخی شیراز، منبع (مؤلف)؛ تصویر ۲۹-
نمونه های طراحی شده در بافت تاریخی اصفهان، منبع
(مؤلف)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

■ ۵۶ ■